

احمد حمید الدین کرمانی
روسکرتش سسواپ
(المصباح في إثبات الإمامة)

رساله‌ای در استواری و بایستگی امامت

نگارخانه
نشر نگاه معاصر

ویرایش متن انتقادی تازی و درآمد

پُل ای. واکر

محمّد یسین سناکت
پارسی کرده‌ی

آنچه در این کتاب می‌خوانید

۱۲-۷	سخن مترجم
۱۶-۱۳	پیشگفت و ارج‌گزاری
۵۳-۱۷	درآمد
۲۲-۱۹	نگاشته‌های اسماعیلی درباره‌ی امامت
۲۶-۲۲	الحاکم و روزگارش
۳۱-۲۶	کرمانی: زندگانی و آثارش
۳۵-۳۱	شرایط تاریخی رواج مصابیح
۳۶-۳۵	پیوند مصابیح با دیگر کارهای کرمانی
۳۹-۳۶	سنجش میان مصابیح و اثبات‌الامامة نیشابوری
۴۱-۳۹	موضوع‌های عمده در مصابیح
۴۴-۴۱	نقل قول‌هایی از انجیل‌های عبری و سریانی
۴۷-۴۵	سنت دست‌نگاشت در ورای مصابیح
۵۳-۴۷	تشرکونی متن تازی
۵۳	یادداشتی درباره‌ی عنوان رساله
۱۳۷-۵۵	روشنگر نقش پیشوایی
۵۸-۵۵	دیباچه
۶۱-۵۹	روشنگر نخست: در آغاز کتاب
۶۵-۶۲	روشنگر دوم: در اثبات آفریدگار
۶۹-۶۵	روشنگر سوم: در اثبات نفس

روشنگر چهارم: در استواری داوری خداوندی (رستاخیز) ۶۹-۷۴

روشنگر پنجم: در استواری قانون الاهی (شریعت) ۷۴-۷۸

بخش دوم کتاب روشنگر نقش پیشوایی ۷۹-۱۳۷

روشنگر نخست: در استواری امامت و بایستگی آن ۷۹-۸۷

روشنگر دوم: در استواری بی‌گناهی امام و بایستگی آن ۸۷-۸۹

روشنگر سوم: در استواری و اثبات پوچی‌گزینش پیشوا به دست مردم ۸۹-۹۲

روشنگر چهارم: در استواری درستی پیشوایی با تعیین خداوند و گزیدن پیامبر ۹۲-۹۴

روشنگر پنجم: پس از پیامبر، امامت از آن امیر مؤمنان علی بن ابی طالب ۹۴-۱۰۰

محمد مصطفی ۱۰۰-۱۰۸

ابوبکر، عمر، عثمان، زید بن حارث، طلحه، زبیر، سعد بن عبدالرحمان، سلمان، ابوذر، مقداد، عمار، عبدالله بن مسعود، عبدالله بن عباس، علی بن ابی طالب ۱۰۸-۱۱۴

روشنگر ششم: پیشوایی پس از جعفر صادق از آن اسماعیل و فرزندان اوست ۱۱۵-۱۱۹

درآمدی بر جدول امامت ۱۱۷-۱۱۸

جدول‌های شناخت درستی امامت گذشتگان (جعفر صادق، علی بن محمد، مأمون عباسی، زید بن علی، محمد بن جعفر، موسی بن جعفر، اسماعیل بن جعفر) ۱۱۹-۱۲۴

روشنگر هفتم: در بایستگی پیشوایی الحاکم بامرالله ۱۲۴-۱۲۹

جدول‌های منش‌هایی که جلوگیری شایستگی امامت در مدعیان پیشوایی است (احمد بن اسحاق، الهارون الحسینی، عمر التزوانی، اموی ساکن اندلس، الحاکم بامرالله) ۱۲۹-۱۳۵

جدول تعریف امامت: نام‌ها (احمد بن اسحاق، الهارون الحسینی، عمر التزوانی، المنتظر، الحاکم بامرالله) ۱۳۵-۱۳۷

کتاب‌نامه ۱۳۷-۱۴۴

فهرست جدول‌ها و تصویرها ۱۳۹-۱۴۴

متن تازی رساله‌ی المصایح فی إثبات الإمامة‌ی احمد حمیدالدین کرمانی ۱۴۹-۲۲۸

نمایه ۲۲۹-۲۳۲

جدول‌ها و تصویرها ۲۳۳-۲۶۴

سخن مترجم

به نام آن‌که از «تألیف» و «ترکیب»
معمای جهان را داد ترتیب
حسینی نیشابوری

یکی از نگاه‌شده‌های جدلی و سترگ در بینش کیش اسماعیلی رساله‌ی المصایح فی إثبات الإمامة‌ی احمد حمیدالدین کرمانی است که پارسی‌شده‌ی آن با نام روشنگر نقش پیشوایی فراروی شماس است. کرمانی، که بعدها لقب افتخاری «حجت عراقین» یعنی داعی بزرگ دو عراق - عراق عرب و عراق عجم (ایران) - به او داده شد، این رساله را در «روزگار زرین» تاریخ اسماعیلیان فاطمی (۲۷۹-۹۰۹/۴۸۷-۱۰۹۴) نگاشت. در واقع، روشنگر پاسخی بود کلامی/اعتقادی به تندروان اسماعیلی روزگار الحاکم بامرالله، ششمین امام - خلیفه‌ی فاطمی مصر، که با تبلیغات گسترده و نوینی خداانگاری (الوهیت) الحاکم را مطرح می‌ساختند. سرکرده‌ی این گروه، حسن بن حیدره الاخرم، نخستین داعی اسماعیلی و رهبر کیش در روز بود که در ۱۰۱۷/۴۰۸، جنبش خداانگاری الحاکم را اعلام داشت.^۱ بدین‌گونه، کرمانی برابر باور بنیادین کیش اسماعیلی به ویژه در رساله‌ی روشنگر خویش، الحاکم را پیشوایی لغزش‌ناپذیر، معصوم، تأییدشده از سوی خداوند و پاسدار راستین اسلام، دانای معانی بیرونی و درونی قرآن و شریعت و رهبری وارسته، پارسا، دلیر و فرمان‌دهنده به شایسته و وارزنده از ناشایسته شناساند - درست

۱. فرهاد دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیان، ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای (تهران، نشر پژوهش فرزانه روز، چاپ چهارم، ۱۳۸۵)، صص ۲۲۴-۲۲۵.

همان منش‌ها و ویژگی‌هایی که شیعه‌ی امامی برای امامان برگزیده و تعیین شده‌ی (منصوص) خویش - درود خدا بر آنان - برمی‌شمارد و باور دارد.

کرمانی در واپسین نگاهشته‌ی جدلی/کلامی/فلسفی خویش به نام راحة العقل کوشید تا فلسفه‌ی اسماعیلی فاطمی را به چهره‌ای روشمند و سامان‌یافته در قالبی استدلالی بریزد - قالبی که از نگاه کیهان‌شناسی آمیزه‌ای بود از رخنه‌ی ژرف اندیشه‌های فیلسوفان یونان و آموزه‌ی پاره‌ای از اندیشه‌گران مسلمان.

اگر سخن پُل کراوس (Paul Kraus) را بپذیریم که کرمانی به زبان‌های عبری و سریانی آشنایی داشت^۱، در درستی داوری و سخن‌پردازی‌اش در بهره‌گیری از منابع اصلی - تورات، انجیل و شرح‌های نگاهشته‌ی یهودیان - دودلی به خود راه نخواهیم داد.

اسماعیلیه در اندیشه‌پروری فلسفی/کلامی/خطابی تأثیری شگرف و فراموش‌نشده‌ی در فرهنگ و تمدن اسلامی برجنا نهاده است. نگاهشته‌های نشریافته و دست‌نویس‌های برجامانده و چاپ‌نشده، گذشته از آنچه در گذر روزگاران به دست بی‌فرهنگان خردستیز و فرمان‌گزاران فریبگر و نیرنگ باز به بهانه‌ی راست‌کیشی و آیین‌گرایی نابود شده است، گواه روشن و راستینی است برگستره و ماندگاری نشانه‌های ژرف و پویایی که فرهنگ اسماعیلی در سرزمین‌ها و بر مردم مسلمان برجنا نهاده است. همان‌گونه که عرفان و تصوف توانست آموزه‌های اسلامی را از خشونت و خشکی دستورها و یافته‌ها و یافته‌های فقیهان ظاهری و کوته‌بین برهاند، آموزش‌ها و برداشت‌های اسماعیلی، همگام با خردگرایی شیعه‌ی دوازده‌امامی توانست پیوسته در برابر پاره‌ای از دبستان‌های تستن دستاموز حکومتگران ستم‌پیشه در درازای تاریخ، نستوه و باشکوه بایستند و چهره‌ی راستین کیش مهر و محبت و برادری و برابری را به رخ بکشاند.

ناگزیر در اینجا سخنی اندوهگنانه رخ می‌نماید که باید گفت: آیا کردار پاره‌ای از اسماعیلیان پیشین در نشان دادن اسلام خشن و ترس‌آلود و هراس‌آگین با روح خردگرایی و دعوت، که شیعه به گشودن دروازه‌های آن در تفکر و جامعه‌ی اسلامی به خود می‌بالد، سازگار بوده است؟ آیا گزافه‌گویی و گزافه‌نویسی با گوهر آموزش‌های قرآنی همخوانی داشته است؟ مگر نه این است که خاستگاه و بن‌مایه‌ی دعوت (فراخوانی به یکتاپرستی و

1. Paul Kraus, "Hebräische und Syrische Zitate in ismā'ītischen Schriften", *Der Islam*, 19 (1931), pp. 243-263.

آموزه‌های ناب اسلامی) از این آیه‌ی قرآن گرفته شده است که می‌فرماید: «[ای پیامبر!] مردم را به سوی پروردگارت با فرزاندگی و اندرز نیکو بخوان و با آنان بدانچه نیکوتر است ستیز کن!» (نحل/۱۲۵)؟ پس چرا پیوسته در بیان باورها و اندیشه‌ی خویش دیگران را به رگبار تهمت‌های کفر، الحاد، بی‌دینی، زندقه و... می‌بسته‌ایم و از هیچ کار ناشایست و تابخردانه شرم نداشته‌ایم و به جای جدل و گفتمان جنگ و ستیهندگی راه انداخته‌ایم؟!

اینجا گنجایش پاسخ به این پرسش تاریخی و کلامی را ندارد که آیا درگزافه‌گویی و گزافه‌پیمایی فرقه‌ای برخی از حدیث‌دانان و متکلمان امامی، امامیان پیشتاز بوده‌اند یا داعیان اسماعیلی؟ البته، اخگرهای سوزنده و ویرانگر غلّو از همان سده‌های نخست اسلامی زبانه کشید و برگ و بارهای سرسبز و شاداب دین باوری را سوزاند. همیشه پیشوایان پاکباز شیعه در قالب نیایش و ستایش پروردگار و دستورها و آموزه‌های اخلاقی و آیینی با آفت گزافه‌گری به ستیز برمی‌خاستند. البته، آسان‌انگاری، مصلحت‌اندیشی، سودگرایی و مُرید و مُراد بازی پاره‌ای از عالمان، اندرزگران و راهنمایان دینی در درازای تاریخ، که هنوز هم روان است و گه‌گاه به چشم می‌بینیم، از ناآگاهی و احساسات پیروان ساده‌اندیش خویش بهره‌های ناپسند و بدعت‌گرانه‌ای گرفته‌اند. در این زمینه، چشم و هم‌چشمی میان امام‌پرستان و پیران طریقت و هواداران‌شان سرگذشتی دردناکانه یافته است. نگاهی به اولیانامه‌ها این واقعیت تلخ را نشان می‌دهد که درگزافه‌گویی و گزافه‌بافی میان ولایتمداران تصوف و سران فرقه‌ها چشم و هم‌چشمی بوده است! در این راستا، کدامین گوی سبقت ربوده‌اند؟ کندوکاوی دوباره باید کرد. کرمانی در روشنگر نقش پیشوایی کوشیده است تا این باور بنیادین و برجسته‌ی کیش اسماعیلی را به کرسی بنشانند که پس از امام جعفر صادق - براو درود - اسماعیل، فرزند بزرگ و درگذشته‌ی امام، برابر تعیین (نص) پدر به پیشوایی رسیده است و فرزند پسر او برابر نص (تعیین) امام بوده است تا آنکه سرانجام پیشوایی به الحاکم بامرالله فاطمی رسیده است. در اینجا تمی خواهم به سرگذشت و سرنوشت پیشوایی در اسلام و شیعه بپردازم. به چالشی که اسماعیلیه آفرید از سوی عالمان، متکلمان و اندیشه‌مندان دوازده‌امامی پاسخ داده شده است.^۱ نگارنده در جای دیگر به کوتاهی و گذرا درباره‌ی گزافه‌گویی و گزافه‌نگاری‌هایی

۱. الفصول المختارة من العیون و المحاسن، چاپ اول ۱۴۱۳ق، المؤتمر العالمی لالفیة شیخ المفید،